

تحولات اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق ایران و انگلستان

مجید کاویانی

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکزی)، تهران، ایران

✉ moazenzadegan@gmail.com

حسنعلی مؤذن‌زادگان

استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

امیرحسین نیازپور

دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده: با گذر از دوره سزادهی در نظام عدالت کیفری که برخوردار از ویژگی ارعابی و شدت‌گرایی بوده است، حرکت به سمت نظام نوین عدالت کیفری با تأکید بر مفهوم بازا اجتماعی سازی بزهکاران، در چارچوب اتخاذ اقدامات تأمینی و تربیتی، مدنظر نظام‌های سیاست جنایی قرار گرفت. تحولات جدید به کاهش تمرکز بر مفهوم خطرناکی، درصدد اجتماعی و ترمیمی کردن اقداماتی است که فاقد وصف سخت‌گیرانه کیفری است و بر بازا اجتماعی شدن و سالم‌سازی روانی و جسمانی بزهکار تأکید دارد. از این‌رو، توسعه مجازات‌های اجتماعی و ترمیمی نویددهنده تحولات نظری و ساختاری در حوزه اقدامات تأمینی و تربیتی است که آن را در کنار کیفر به‌مثابه گونه‌ای جدید از واکنش اجتماعی در برابر بزهکاری محسوب می‌نماید. نظام حقوقی ایران با مشابهت‌هایی با نظام حقوقی انگلستان، تا حدی از مفهوم ابتدایی اقدامات تأمینی گذر کرده و سمت‌وسوی اجتماعی سازی به‌واسطه اصلاح، درمان و ترمیم بزهکاران را به عنوان بخشی از واکنش اجتماعی به پدیده جرم را ارائه نموده است. در این راستا، به‌واسطه تغییر دیدگاه‌ها و ساختارها، بررسی گونه‌های اقدامات تأمینی از اهمیت برخوردار می‌شود. بر این اساس، جهت پاسخ به این پرسش که دورنمای اقدامات تأمینی و تربیتی چیست، ضروری است تا به بررسی نهاد اقدامات تأمینی و تربیتی و تحولات آن در گذر زمان با نگاهی به حقوق ایران و انگلستان پرداخته شود. از این‌رو، این مهم در نوشتار حاضر با رویکردی تحلیلی - توصیفی مدنظر قرار خواهد گرفت تا در پرتو آن زمینه برای ارزیابی این نهاد فراهم گردد.

واژگان کلیدی: اقدامات تأمینی و تربیتی، اصل احتیاط، حالت خطرناک، بازا اجتماعی سازی، بزهکاری

استناد: کاویانی، مجید؛ مؤذن‌زادگان، حسنعلی و نیازپور، امیرحسین. (۱۴۰۴). تحولات اقدامات تأمینی و

تربیتی در حقوق ایران و انگلستان. دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۳۰ (۱۱۱)، ۲۴۹-۲۷۱.

<https://doi.org/10.22034/ilvi.2025.2024540.1147>

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.



مقدمه

جرم در هر جامعه‌ای با توجه به هنجارها و ارزش‌های موجود در زمان و مکان، همواره به عنوان چالشی قابل توجه محسوب شده و اتخاذ راهبردها و راهکارهایی جهت مهار آن و پاسخ‌دهی به بزهکاران، در راستای تأمین انتظام اجتماعی، بخشی از توان حاکمان را به خود اختصاص می‌داد. چراکه این پدیده به عنوان پدیده‌ای نابهنجار همواره به عنوان عملی مخالف نظم اجتماعی مورد توجه قرار داشت و قوای حاکم خود را ناگزیر به پاسخ‌دهی به آن می‌دانست. امری که در وهله نخست با تأکید بر کیفردهی بزهکاران و ناهنجاران اجتماعی و اتخاذ رویکردهای سخت‌گیرانه همراه بود به گونه‌ای که سزادهی، عدم تناسب جرم و مجازات و عدم تبعیت از اصول بنیادینی چون اصل قانون‌مندی، مؤلفه‌های اصلی آن بشمار می‌رفته است. به تدریج و در پرتو نظریه‌پردازی مبدعان مکتب تحقیقی و اندیشه سردمداران آن همچون انریکو فری و رافائل گاروفالو، انسان بزهکار به مثابه بیماری نیازمند درمان تلقی شد که در ارتکاب جرم توسط وی مسئولیت اخلاقی راهی پیدا نمی‌کرد. از این‌رو، حالت‌های خطرناک اشخاص مدنظر قرار گرفت و راه دفاع در برابر این مخاطرات نه مجازات بلکه تدابیری که از آن با عنوان اقدامات تأمینی و تربیتی یاد می‌شد معرفی شد. امری که با ایجاد تناسب میان وضعیت مزاجی، منش و سوابق شخص، در تلاش است تا سازگارسازی اجتماعی وی را به ارمغان آورد (فاخری، ۱۴۰۳: ۱۵۱). در پرتو اندیشه پیروان مکتب تحقیقی توجه به حالت خطرناک و عوامل وقوع جرم و ضرورت اصلاح و تربیت بزهکاران، جایگاهی ویژه دارد که همین امر آنان را مقابل آرای اندیشمندان مکاتبی چون دفاع اجتماعی نوین قرار می‌دهد که مسئله حفظ آزادی‌های شخصی و حرکت انسانی و تأکید بر مسئولیت اخلاقی به شکل ویژه‌ای مدنظر آنان قرار دارد (رهامی، ۱۳۹۲: ۱۰). به این ترتیب، در چارچوب تلفیق این آراء، با حفظ کیفر، ویژگی‌های سزادهی آن تعدیل و رنگ و بوی اصلاحی و بازسازگاری آن تقویت شد. امری که با توجه به رویکرد آینده‌نگرانه اقدامات تأمینی و تربیتی، مدنظر قرار گرفت (محمودی، ۱۳۸۵: ۵۴).

اقدامات تأمینی و تربیتی را اقداماتی در راستای تحقق دفاع اجتماعی به موجب قانون معرفی کرده‌اند که توسط دادرس و بر اثر ارتکاب جرم، متناسب با وضعیت خاص شخص بزهکار، استعدادها و سوابق وی به کار گرفته می‌شود تا با بهبود و بازسازگاری اجتماعی بزهکار، دست به تکرار جرم نزنند (کی‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۶۵). در واقع، اقدامات تأمینی و تربیتی همان‌طور که در قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹/۰۲/۱۲ مقرر شده بود (این قانون نسخ شده است) به عنوان یکی از دو شکل واکنش اجتماعی علیه جرم محسوب می‌شود که بر حمایت پیشگیرانه که متضمن درمان و اصلاح مجرم است تأکید دارد و تلاش می‌کند تا حالت خطرناک بزهکار را مهار نماید (بولک،

۱۳۸۵: ۷۳). ماده یک قانون مذکور مقرر می‌دارد: «اقدامات تأمینی عبارتند از تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم (جنحه و جنایت) درباره مجرمین خطرناک اتخاذ می‌کند... صدور حکم اقدامات تأمینی از طرف دادگاه وقتی جایز است که کسی مرتکب جرم گردیده باشد».

حالت خطرناک حالتی است که بر اثر اقتدان عوامل جرم و تأثیر آن‌ها در شخص معین او را در مظان ارتکاب جرم قرار می‌دهد (صدرات، ۱۳۴۰: ۲۸۶ برای مطالعه بیشتر بنگرید: قاسمی، ۱۳۷۴: ۷). در واقع، حالت خطرناک همان استعداد جنایی شخص است که برای تعیین و ارزیابی بزهکاری وی مدنظر قرار می‌گیرد (امینی، ۱۳۴۶: ۱۰). با مشاهده ماده یک قانون منسوخ مذکور، مشخص می‌شود این قانون تعریفی از حالت خطرناک ارائه نکرده و صرفاً بزهکاران خطرناک و ویژگی‌های آنها را مدنظر قرار داده است. مطابق این ماده مجرمین خطرناک کسانی هستند که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی آنان و کیفیت ارتکاب و جرم ارتکابی آنان را در مظان ارتکاب جرم در آینده قرار دهد اعم از اینکه قانوناً مسئول باشند یا غیرمسئول. صدور حکم اقدام تأمینی از طرف دادگاه وقتی جایز است که کسی مرتکب جرم گردیده باشد. مبنای این ماده بر بروز حالت خطرناک پس از ارتکاب جرم جهت تکرار جرم شکل گرفته و به شکل‌گیری حالت خطرناک پیش از ارتکاب جرم اولیه توجه ندارد. بر این اساس، دادگاه اختیار دارد چنانچه حالت خطرناک را در اشخاص مشاهده نماید در راستای دفاع از جامعه برابر جرایم احتمالی آینده، با توجه به سوابق مجرم، خصوصیات روحی و اخلاقی بزهکار و کیفیت ارتکاب و نوع جرم ارتکابی، در خصوص آن‌ها اقدامات تأمینی اتخاذ نماید.

بر این اساس، جهت بررسی تطبیقی نظام اقدامات تأمینی و تربیتی در ایران و انگلستان و ارزیابی وضعیت این نهاد، در پژوهش حاضر ابتدا تحول واکنش اجتماعی به جرم از گذر ایجاد اقدامات تأمینی بررسی می‌شود تا در پرتو شناخت بسترهای جرم‌شناختی ایجاد اقدامات تأمینی و مطرح شدن آن به عنوان یکی از گونه‌های واکنش اجتماعی در پاسخ به بزهکاری در نهایت تحولات ساختاری و مصداقی آن مورد تحلیل قرار گیرد.

۱. تحول واکنش اجتماعی در برابر جرم از گذر ایجاد مفهوم اقدامات تأمینی

واکنش اجتماعی به پدیده بزهکاری از منظر تاریخی مجازات را به ذهن متبادر می‌سازد؛ چراکه مجازات پاسخ رسمی به این پدیده در گذر زمان بوده است. با این حال، تحولات مفهومی و مصداقی به واسطه شکل‌گیری اندیشه‌های جدید سرآغازی بر افزوده شدن اقدامات تأمینی به مجموعه واکنش اجتماعی به جرم بود که بررسی آن مستلزم شناخت بسترهای جرم‌شناختی این پدیده است که راه را برای شکل‌گیری نظام دوگانه پاسخ‌های اجتماعی به جرم فراهم می‌سازد.

۱-۱. بستر جرم‌شناختی شکل‌گیری اقدامات تأمینی

نگاهی به تحولات جرم‌شناختی از منظر اندیشمندان غربی نشانگر نقش بارز و مبدعانهٔ مکتب تحقیقی در سدهٔ نوزدهم در ایتالیا جهت شکل‌گیری مفهوم جرم‌شناسی است. بر اساس آموزه‌های این مکتب، مجوز به‌کارگیری تنبیه و تلاش جهت پیشگیری از جرم، مفهوم دفاع از جامعه است (لازرژ، ۱۳۸۲: ۴۸). مفهوم دفاع اجتماعی نه‌تنها در مقابل بزهکاران، بلکه منحرفان نیز در این رویکرد مدنظر قرار دارد. بر این اساس، مطابق میزان خطری که شخص برای نظم عمومی دارد، نظارت‌های پیشگیرانه با هدف مهار مخاطرات به‌وسیلهٔ وضع محدودیت‌هایی بر شخص اعمال می‌شود. در واقع، مفهوم حالت خطرناک نشانگر فساد مداوم و مؤثر مجرم و میزان زشتی رفتار و استعداد بزهکارانه او است (پی ناتل، ۱۳۴۵: ۱۰۲). در واقع، سرکوبی مدنظر مکتب تحقیقی نه بر حسب بزه ارتكابی، بلکه بر مبنای حالت خطرناک وی معنا می‌یابد.^۱ بزهکار خطرناک موضوع نظام عدالت کیفری قرار می‌گیرد و همین خطرناکی معیاری است که مبنای عمل نظام عدالت کیفری در اتخاذ تدابیر پیشگیرانه را شکل می‌دهد. از این رو، بزهکار به لحاظ شخصیت و استعداد جنایی، باید تحت نظامی از تدابیر مشخص قرار گیرد و همین امر است که اصل فردی شدن کیفر را به عنوان دستاوردی مهم ارائه می‌نماید. اگرچه در این راستا، تلاش جهت جانشین شدن مفهوم اقدام تأمینی به جای کیفر، به سرانجام نهایی نرسید، اما در پرتو آن مفهوم اصلاح و درمان جایگاهی ویژه یافت. امری که به جای توجه محض بر خطای گذشته در رویکردی پیشینی، دفاع از جامعه را با محور قرار دادن اقدامات پسینی و آینده‌نگر در اولویت قرار می‌داد. اگرچه ایدهٔ جانشینی در مواردی که مرتکب فاقد مسئولیت یا از مسئولیت نقصان‌یافته برخوردار است محقق شد. برای نمونه در خصوص صغار این اقدامات می‌توانستند جانشین مجازات شوند یا به مجازات اعمال شده با توجیهاتی چون ناکافی نبودن کیفر، افزوده شود (بولک، ۱۳۸۵: ۴۷).

به این ترتیب، اقدامات تأمینی به عنوان دستاورد مهم جرم‌شناسی پیشگیری از اواخر قرن نوزدهم مطرح شد. این اقدامات نخستین بار در سال‌های ۱۸۹۳-۱۸۹۲ برای قانون جزای سوئیس تهیه و

۱. اساس وجودی اقدامات تأمینی و تربیتی بر می‌گردد به شناخت مفهوم حالت خطرناک در مجرم و تلاش برای خنثی کردن این وضعیت که بوسیله تدبیرهای تأمینی، اصلاحی، درمانی و تربیتی حاصل می‌شود و بدینوسیله دفاع اجتماعی تأمین می‌شود. همانطور که نظریه‌پردازان مکتب تحقیقی (ایتالیایی) که به عنوان بوجود آورندگان این اقدامات معتقد بودند، چون افراد تحت تأثیر عوامل جسمانی یا روانی و یا اجتماعی مرتکب عمل مجرمانه می‌شوند بنابراین ارتکاب بزه غیراختیاری و غیر قابل اجتناب است و دفاع اجتماعی اقتضاء می‌کند که اجتماع با تدبیرها و اقدام‌های تأمینی و وسایل پیشگیری از رخداد جرم و تکرار جرم را فراهم سازد.

وارد حقوق جزای این کشور شد (قاسمی، ۱۳۷۴: ۷). به تدریج قانون‌گذار سایر کشورها نیز در کنار کیفر، مفهوم اقدامات تأمینی را در قوانین کیفری خود وارد کردند. از این رو، واکنش اجتماعی در برابر جرم از حیث قانونی به دو شکل کیفر و اقدامات تأمینی برخوردار از سیاست‌های متفاوت ارائه شد (رجبی، چاووشی، ۱۳۹۷: ۱۲۷).

۲-۱. نظام دوگانه مجازات‌ها و اقدامات تأمینی

به‌طور سنتی، کیفر به عنوان ضمانت اجرا در برابر بزهکاری متناسب با مسئولیت اخلاقی، پاسخ به مرتکب تلقی می‌شده است. این در حالی است که اقدامات تأمینی، فارغ از مسئولیت اخلاقی، حالت خطرناک بزهکار را نشانه می‌رود و در تلاش است تا با تدابیر اصلاحی و درمانی به خنثی کردن این تدابیر بپردازد. امری که بیانگر ارزشمندی بیشتر مصلحت جامعه بر مصلحت فردی در اندیشه دفاع اجتماعی است. از دیدگاه جرم‌شناسی جامعه به محض برخورد با افرادی که به دلایل خاص رفتاری این احتمال می‌رود که مرتکب یک عمل ضداجتماعی گردند باید آن‌ها را تحت مواظبت و حمایت قرار داد. حتی اگر کوچک‌ترین عمل مجرمانه یا ضداجتماعی هم از آنان سر نزده باشد و استدلال جرم‌شناسان از این اقدام جلوگیری از اضرار به جامعه و جلوگیری از صرف هزینه‌های ناشی از جرم و سهولت مداوای وی قبل از بزهکاری است. این تأکید حتی تا بدان جا پیش رفت که عدم محدودیت در اتخاذ این رویکردها را محور آن قرار داد. با این وجود، احترام به آزادی فردی و اصل قانون‌مندی پذیرش بدون مدت این اقدامات را پیش از ارتکاب جرم یا با توجیه کاهش حالت خطرناک، در تعارض می‌دید. برخی کشورها، مانند فرانسه، با اعطای عنوان «مجازات‌های تکمیلی» یا «مجازات‌های تبعی» به اقدام‌های جدیدی که وارد قانون شده بود، این مشکل را پشت سر گذاشتند؛ به عبارتی در این کشور فقط اقدامات آموزشی و پرورشی قابل اجرا نسبت به صغار، از آغاز سال ۱۹۱۲، در مقابل مجازات‌های کلاسیک ارائه و تحت سازمان و رژیم حقوقی متفاوتی قرار داده شدند (رجبی، چاووشی، ۱۳۹۷: ۱۲۷). لیکن برخی از قوانین جزایی، صراحتاً نظام دوگانه را به عنوان سازمان اجتماعی علیه جرم پذیرفتند؛ به عنوان نمونه، طرح قانون جزای سوئیس که در پایان سده نوزدهم تهیه شده در این جهت بوده است؛ قانون جزای ۱۹۰۲ نروژ، سپس قانون جزای ۱۹۳۰ لتونی، قانون جزای ۱۹۳۶ رومانی و قانون جزای ۱۹۳۷ سوئیس از جمله قانون‌هایی بودند که نظام دوگانه را وارد حقوق خود کردند (بولک، ۱۳۸۵: ۴۸).

برخی کشورها نیز رویکردی متفاوت را در پیش گرفتند و قانون خاص اقدامات تأمینی را جهت تصوب مدنظر قرار دادند. به عنوان نمونه قانون ۱۹۳۰ بلژیک موسوم به قانون «دفاع اجتماعی» قانون ۱۹۳۴ اسپانیا در خصوص پیش‌بینی و اعمال اقدامات تأمینی نسبت به ولگردان، ... از مصادیق این

مورد است (بولک، ۱۳۸۵: ۴۹).

با پایان جنگ جهانی دوم و تأکید بیش از پیش بر آزادی‌های فردی و رعایت شأن و کرامت انسانی، که همراه شد با شکل‌گیری مکتب دفاع اجتماعی نوین، بهترین راهبرد حمایت از جامعه، سازگار ساختن مجدد بزهکاران با اجتماع از طریق کلیه وسایل و امکانات در دسترس، با رعایت کرامت انسانی به منظور بازیافتن مسئولیت اجتماعی آنان، معرفی شد. در واقع، طرفداران رویکرد دفاع اجتماعی نوین بر این اعتقاد بودند که نظام واحد «اقدامات دفاع اجتماعی» باید جانشین دوگانه کیفر و اقدامات تأمینی گردد؛ همان‌طور که مارک آنسل بیان داشته: «نه به لحاظ معیارهای حقوقی یا سهولت‌ها اداری، بلکه با توجه به شخصیت بزهکار است که از مجازات در می‌گذریم و به اقدامات تأمینی روی می‌آوریم» (بولک، ۱۳۸۵: ۵۱-۵۲). این رویکرد منجر به شکل‌گیری اصلاحات مهمی در نظام عدالت کیفری شد. تأکید بر مفاهیمی چون انسانی کردن بازداشت، گرایش حبس در جهت اصلاح و پذیرش مجدد اجتماعی محکوم، طبقه‌بندی محکومان بر مبنای شخصیت، تأسیس واحدهای روان‌شناختی و اجتماعی، کمک‌رسانی به محکوم در مرحلهٔ پساکیفری و حتی تأکید به قضاوتی شدن مرحلهٔ اجرای مجازات‌ها، از دستاوردهای این رویکرد است (بولک، ۱۳۸۵: ۵۲).

۲. اقدامات تأمینی و تربیتی؛ از تحول ساختاری تا تحول مصداقی

اقدامات تأمینی و تربیتی به تدریج به عنوان پاسخ دوم اجتماع به پدیدهٔ جرم مطرح شد که اهدافی چون اصلاح و بازپروری را مدنظر قرار داد. در این راستا سیر تحول و تطور این اقدامات منجر به آن شد تا گونه‌ای جدید از اقدامات با عباراتی چون تدابیر اجتماعی یا ترمیمی در نظام‌های حقوقی ظهور کند تا زمینه لازم برای تحقق اهدافی چون بازسازی و بازاجتماعی ساختن بزهکاران را فراهم سازد (کریم‌پور آل‌هاشم و نوری سوا، ۱۴۰۲، ۱۰). در این چارچوب، جهت بررسی تحولات مذکور، ضروری است تا ابتدا به زمینه‌های تغییر دیدگاه‌ها و ساختارها در زمینهٔ اقدامات تأمینی و تربیتی پرداخته شود و سپس گونه‌های این اقدامات مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۱. از تغییر دیدگاه‌ها تا تغییر ساختار

حیات نوین قانون‌گذاری در ایران در پرتو تصویب اصول ۱۴ و ۱۶ متمم قانون اساسی مصوب ۱۲۷۸ شمسی مضامینی چون اقامت در محل معین یا اجبار به اقامت در محل معین و نیز ضبط مال را مدنظر قرار داد. به تدریج و در سال ۱۳۰۴ اقدامات تأمینی ناظر به اشیاء همچون استرداد، ضبط و معدوم شدن اشیایی که دلیل جرم است یا به‌واسطهٔ آن بدست آمده در کنار اقدامات تأمینی ناظر به اشخاص به مصادیقی چون محرومیت از حقوق اجتماعی، اقدامات اجباری در نقطه یا نقاط معین، ممنوعیت از اقامت در محل معین و در خصوص جرایم اطفال حسب مورد تحویل آن‌ها به والدین،

یا اعزام به دارالتأدیب، اعزام متهمان مجنون به دارالمجانین، معدوم و ضبط کردن اشیا و ادوات مربوط به معتادین به مواد مخدر مدنظر قرار گرفته است (رهامی، ۱۳۹۲: ۹۷). امری که گامی اساسی در تحول دیدگاه‌ها نسبت به اقدامات تأمینی و تربیتی در ایران محسوب می‌شود که زمینه‌ساز تحولات ساختاری شد. در این راستا، قانون‌گذار برای نخستین بار در سال ۱۳۱۴ و در چارچوب بند ۲ از ماده ۱ «قانون راجع به وادار نمودن محبوسین به کار» از مفهوم خطرناکی نیز سخن گفت^۱ و آن را معیاری برای برخی اقدامات قرار داد. در برخی قوانین بعدی نیز به اقتضا شاهد استفاده قانون‌گذار از اقدامات تأمینی به عنوان پاسخی به بزهکار بودیم.^۲ با این حال، تحول مهم در این زمینه با تصویب «قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار» در سال ۱۳۳۸ رخ داد که به موجب مواد ۱۷ و ۱۸ آن در خصوص اطفال مرتکب جرم بنابر شرایط سنی اقداماتی را تجویز می‌کرد. تسلیم به اولیا با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق، سرزنش و نصیحت به وسیله قاضی، اعزام به کانون اصلاح و تربیت از جمله اقدامات تأمینی مدنظر قانون مذکور بودند که البته بنابر دلایلی نتوانست چندان در عمل محقق شود. مهم‌ترین دلیل این امر، فقدان توان عملی ایجاد تمایز در رسیدگی به بزهکاری اطفال بود. در مقابل، قانون اطفال مصوب ۱۹۰۸ میلادی در انگلستان بر مبنای ضرورت وجود نظام دادرسی افتراقی برای اطفال و نوجوانان، اقدام به ایجاد دادگاه نوجوانان^۳ کرد (Ashworth, 11: 2005). این دادگاه بر این اصل کلی استوار است که حساسیت سنی به واسطه مؤلفه‌هایی چون عدم رشد یا عدم درک ماهیت رفتار مجرمانه، پاسخ‌دهی ظریف به این دسته از بزهکاران را ایجاد کرده تا اتخاذ این تدابیر تا حد امکان از مفسده برخوردار نشود. اگرچه این رویکرد نیز با نوساناتی همراه بود. به گونه‌ای که در مقطعی تغییرات اساسی در این رویکرد ایجاد شد. در سال ۱۹۹۳ میلادی به دنبال قتل کودک دوساله به نام «جیمز بالگر» در «لیورپول» به دست دو پسر ده ساله و بازتاب

۱. این مقررہ بیان داشته است: «ماده اول - اشخاصی که در نتیجه ارتکاب جرائم عادی (غیر سیاسی) محکوم به حبس شده یا بشوند و لااقل یک ثلث از مدت حبس درباره آنان اجرا شده ممکن است نسبت به بقیه مدت حبس در مؤسسات فلاحتی یا صنعتی وادار به کار و تحت حفاظت قرار داده شوند به شرایط ذیل: ... بند دو: در صورتیکه محبوس خطرناک به جامعه یعنی مجرم بالطبیعه یا بالعاده تشخیص نشود».

۲. قانون جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و واگیردار (مصوب خرداد ۱۳۲۰) نمونه‌ای از تدابیری است که ماهیتاً اقدام تأمینی محسوب می‌شود. ماده واحده مصوب ۱۳۲۲ اگرچه تحت عنوان قانون تشدید مجازات اشخاص بدسابقه و شرور به تصویب رسید اما فی الواقع نوعی اقدام تأمینی است که درباره افراد خطرناک (بدسابقه و شرور) در نظر گرفته شده بود. به موجب قانون مذکور، اجازه تبعید یا بازداشت این نوع اشخاص به وزارت کشور تفویض گردید و در واقع برخورد با مجرمین خطرناک جنبه اداری پیدا کرد (رجبی تاج، چاووشی، ۱۳۹۷: ۱۳۰).

گسترده آن در رسانه‌ها و واکنش‌هایی که محاکمه این دو در بین مردم ایجاد کرد، انگلستان شاهد بازگشت سیاست جنایی سرکوبگر در قبال اطفال بود. از این پس، بر مسئولیت فردی، مداخله سریع دستگاه قضایی و پلیسی و نیز توسط بیشتر به زندان تأکید شد (مهرا، ۱۳۹۳: ۱۶۴). در این راستا، تصویب دو قانون جرم و بی‌نظمی مصوب ۱۹۹۸ و قانون دادرسی اطفال و دلایل جزایی مصوب ۱۹۹۹ تحولات اساسی را در زمینه بزهکاری اطفال و نوجوانان پدیدار ساخت که نشانگر تحول در دیدگاه‌ها در این زمینه به واسطه تغییرات گسترده در ساختار دادرسی این دسته از بزهکاران بود.

ساختار جدید با برخورداری از اهدافی نو، اجزای جدیدی را جهت سازمان‌دهی پاسخ به بزهکاری با تأکید بر عوامل اجتماعی مدنظر قرار داد. در این راستا، مطابق ماده ۳۷ قانون جرم و بی‌نظمی پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان به خصوص پیشگیری از تکرار جرم به عنوان هدف اصلی سیستم دادرسی اطفال مدنظر قرار گرفت. همچنین، مطابق با ماده ۴۱ قانون مذکور، سازمان مرکزی نظارت و توسعه عدالت کیفری اطفال جهت دادن مشاوره به وزارت کشور در اجرا و توسعه خدمات دادرسی اطفال تشکیل شد. در سطح محلی نیز مطابق ماده ۳۹ قانون مذکور، کمیسیون‌های محلی اطفال بزهکار برای همکاری در خدمات دادرسی اطفال ایجاد شدند. با این حال، مهم‌ترین تحول در این مقطع، تغییرات بنیادین دیدگاه به بزهکاری نوجوانان در قانون جرم و بی‌نظمی است که تکیه اصلی در این زمینه را بر مداخله روان‌شناختی - اجتماعی زودرس، پیشگیری اولیه و پیشگیری از تکرار جرم قرار داده است. «مداخله روان‌شناختی - اجتماعی زودرس نسبت به اطفال بر وجود عوامل خطر مبتنی است که می‌توان آن‌ها را مجموعه‌ای از شرایط فردی و اجتماعی تعریف کرد که بروز و استمرار رفتارهای مجرمانه آینده را در کودکان و نوجوانان مساعد می‌کند... هر اندازه که در معرض خطر قرار گرفتن فرد زودتر اتفاق افتد و اشکال آن متعددتر و مدت آن طولانی‌تر باشد، به همان میزان احتمال وارد شدن و درگیر شدن فرد و استمرار وی در رفتارهای مجرمانه شدید بیشتر خواهد شد.» (کاری بو، ۱۳۸۱: ۲۷۰).

بر این اساس، شش مسئله مهم در نظام دادرسی اطفال مدنظر دولت قرار گرفت. تسریع در رسیدگی و پیشگیری از اطاله دادرسی؛ ایجاد احساس مسئولیت در بزهکار؛ مقابله با عوامل جرم‌زا؛ ایجاد تناسب میان مجازات با شدت جرم؛ تشویق به جبران خسارت؛ تأکید بر مسئولیت والدین^۱ مواردی هستند که در دیدگاه جدید مورد تأکید مستمر قرار گرفته است.

در ایران، تحت تأثیر مطالعات تطبیقی، لایحه قانون اقدامات تأمینی که با استفاده از قانون جزای ۱۹۳۷ سوئیس تهیه و در سال ۱۳۳۷ به مجلس شورای ملی وقت تقدیم شده بود، سرانجام با تغییرات

1. Home Office Framework Document 1998

جزئی در ۲۱ ماده تحت عنوان «قانون اقدامات تأمینی» در تاریخ ۱۳۳۹/۰۲/۱۲ مورد تصویب مجلسین وقت قرار گرفت و به این ترتیب نظام کیفری ایران نیز به نوبه خود با الهام از دستاوردهای حقوق تطبیقی، مفهوم و اشکال مختلف «اقدامات تأمینی» را به عنوان واکنش حمایتی پیشگیرانه در مقابل جرم در کنار مجازات‌ها پذیرفت (قاسمی، ۱۳۷۴: ۷). با این حال، فقدان زیرساخت‌های لازم همچون مراکز اصلاح و تربیت، تیمارستان‌های اشخاص دارای اختلال روانی و تبعیدگاه‌های بزهکاران به عادت و عدم اعتقاد به کارآمدی این اقدامات از سوی کنش‌گران نظام عدالت کیفری، مانع از اجرای کامل قانون مذکور شد. با وجود مکاتبات گسترده جهت احداث مراکز اصلاح و بازپروری در نقاط مختلف کشور، تنها یک مرکز در تهران جهت اصلاح و تربیت اطفال بزهکار تأسیس شد (رهامی، ۱۳۹۲: ۹۷).

اگرچه با تصویب قانون اقدامات تأمینی سیستم دوگانه واکنش اجتماعی به پدیده بزهکاری در ایران پایه‌گذاری شد، تشکیل نخستین دادگاه اطفال در تهران در تاریخ ۱۳۴۵/۰۸/۲۶ و سپس ایجاد اولین قانون اصلاح و تربیت در چارچوب آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور در سال ۱۳۴۷ نویددهنده دور جدیدی از توجه به اقدامات تأمینی در کشور بود. به گونه‌ای که با اصلاح قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۵۳ و به خصوص با تعریف این قانون از جرم که مقرر می‌داشت: «هر فعل یا ترک فعل که مطابق قانون مجازات یا مستلزم اقدامات تأمینی و تربیتی باشد جرم محسوب است، و هیچ امری را نمی‌توان جرم دانست مگر این که به موجب قانون برای آن مجازات، یا اقدامات تأمینی و تربیتی تعیین شده باشد.» صراحتاً اقدامات تأمینی وارد این قانون شد. همچنین قانون مذکور، بسیاری از اقدامات تأمینی مذکور در قانون اقدامات تأمینی را در قالب مجازات‌های تبعی و تکمیلی مورد توجه قرار داد. با تصویب این قانون با توجه به این که دادگاه‌ها در مقام صدور رأی در زمینه محرومیت از حقوق اجتماعی و یا سایر مصادیق اقدامات تأمینی و تربیتی به ماده ۱۵ آن استناد می‌نمودند، عملاً قانون اقدامات تأمینی به بوته فراموشی سپرده شد (رهامی، ۱۳۹۲: ۹۷).

در سطح ساختاری نیز مطابق ماده ۴۱ قانون جرم و بی‌نظمی پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان، سازمان مرکزی نظارت و توسعه عدالت کیفری صغار^۱ ایجاد شد که در کنار داشتن مقام مشاوره برای وزارت کشور در خصوص ارزیابی نظام دادرسی اطفال از حیث پیشگیرانه، وظایف دیگری همچون کنترل عملکرد این نظام، ارائه رهنمودهای اصلاحی قانونی و رویه‌ای لازم^۲ را دارا

1. YJB: The Youth Justice Board

2. Section 41-5 of CDA

است. در سطح محلی نیز کمیسیون‌های محلی اطفال بزهکار^۱ تشکیل شده که هدف از تشکیل آن «ایجاد هماهنگی میان مقامات محلی مربوط در ارائه مداخلات مبتنی بر جامعه محلی و نظارت بر اطفال و نوجوانان بزهکار» است.^۲ این نهاد نیز وظایفی چون ارائه طرح‌های تشویقی در جهت کاهش نرخ تکرار جرم، اتخاذ تدابیر حمایتی از اطفال بزهکار، تهیه گزارشات قانونی برای دادگاه و اتخاذ تدابیر حمایتی پس از پایان محکومیت برخوردار است.

مشابه با چنین تغییر دیدگاهی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ایران نیز جایگاه اقدامات تأمینی و تربیتی فراتر از معنای نخستین خود، دیگر محدود به حالت خطرناک نیست. امری که با شمول بر جرایم پسران ۱۵ تا ۱۸ سال و دختران ۹ تا ۱۸ سال دیدگاه جدیدی را ارائه می‌نماید. در واقع، واکنش اجتماعی در برابر بزهکاری این اشخاص فارغ از اینکه مظنون به تکرار جرم باشند یا خیر، اقدام تأمینی است. همان‌طور که بیان شد پیش از این، افراد بالغی موضوع اقدامات تأمینی قرار داشتند که حالت خطرناک آن‌ها به گونه‌ای احراز می‌شد و از حیث تکرار جرم در آینده مظنون به حساب می‌آمدند. بر این اساس، با نسخ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی دیگر وجود حالت خطرناک معیاری برای اعمال تدابیر تأمینی محسوب نمی‌شود. در واقع، در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، سیاست متمایزسازی میان افراد برخوردار از حالت خطرناک و سایر بزهکاران دیده نمی‌شود و این اقدامات صرفاً در خصوص دسته‌ای از بزهکاران؛ یعنی مجانین و اطفال، در دستور کار قرار گرفته است. با این وجود در معدود مواردی حالت خطرناک مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا، ماده ۱۵۰ قانون مذکور مقرر داشته: «هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب، مجنون باشد یا در جرایم موجب تعزیر پس از وقوع جرم مبتلا به جنون شود چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصصین، ثابت و آزاد بودن وی محل نظم و امنیت عمومی باشد به دستور دادستان تا رفع حالت خطرناک در محل مناسبی نگهداری می‌شود...». این مفهوم از خطرناکی متفاوت از مفهوم اصطلاحی آن جهت اتخاذ اقدامات تأمینی و تربیتی است. در این مورد، خطرناک بودن شخص به گونه‌ای که آزاد بودن وی محل نظم و امنیت عمومی باشد مبنایی برای اعمال اقدامات ماده فوق است و نه خطرناکی از جهت تکرار جرم آن‌گونه که در ادبیات بحث مورد توجه قرار دارد.

در این راستا، با نگاهی به فصل دهم قانون مجازات اسلامی با عنوان مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان، که از ماده ۸۸ آغاز می‌گردد، این نکته به ذهن متبادر می‌شود که در واقع، این تدابیر برای اشخاص غیر مسئول یعنی نابالغین و افراد مشمول ماده ۹۱ این قانون به عنوان واکنشی

1. YOT: Youth Offending Teams

2. No More Excuse, Cm 3809, 1997, para.10.5

برخوردار از رویکرد تربیتی تلقی شده که صرف نظر از حالت خطرناک آن‌ها مدنظر قرار می‌گیرد. اما در خصوص اشخاص بالغ، نظام پاسخ‌دهی، نظام کیفری است که بر حسب مورد و مثلاً زمان احراز حالت خطرناک، می‌توان در خصوص آن‌ها مجازات‌های تکمیلی موضوع ماده ۲۳ قانون مذکور را متناسب با جرم ارتكابی مدنظر قرار داد.

به این ترتیب، به نظر می‌رسد مفهوم اقدامات تأمینی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، نه در معنای اصطلاحی و به عنوان واکنشی مستقل در مقابل حالت خطرناکی، بلکه در معنای لغوی یعنی امن‌سازی به گونه‌ای نشانگر اجتماعی شدن مجازات‌ها با هدف اصلاح بزهکاران به کار گرفته می‌شود (پیراوانی، ۱۳۹۲: ۱۱۰).

۲-۲. گونه‌شناسی اقدامات تأمینی و تربیتی

قانون جرم و بی‌نظمی مصوب ۱۹۹۸، قانون دادرسی اطفال و دلایل جزایی مصوب ۱۹۹۹ و قانون عدالت کیفری سال ۲۰۰۳ قرارها و مجازات‌هایی را تجویز نموده است که از یک‌سو، اعمال آن منوط به تحقق مسئولیت کیفری نیست و افزون بر کودک می‌توان همراه با الزاماتی برای والدین باشد و از سوی دیگر، قرارهایی را شامل می‌شود که اعمال آن‌ها منوط به تحقق سن مسئولیت کیفری است و جنس آن جبران خسارت بزه‌دیده و تدابیر اصلاحی و تربیتی است. بر این اساس، در دو سطح بزهکاران طفل و نوجوان و بزهکاران بزرگسال، اقدامات تأمینی و تربیتی قابل بررسی است. نظام حقوقی ایران با مشابهت‌هایی با نظام حقوقی انگلستان، تا حدی از مفهوم ابتدایی اقدامات تأمینی گذر کرده و سمت و سوی اجتماعی‌سازی به واسطه اصلاح، درمان و ترمیم بزهکاران را به عنوان بخشی از واکنش اجتماعی به پدیده جرم را ارائه نموده است. در این راستا، به واسطه تغییر دیدگاه‌ها و ساختارها، بررسی گونه‌های اقدامات تأمینی و بستر کاربست آن از اهمیت برخوردار می‌شود.

۲-۱. اقدامات تأمینی و تربیتی ناظر به کودکان و نوجوانان

به طور سنتی به واسطه اصل قانون‌مندی کیفر و اقدامات تأمینی و تربیتی، اعمال مداخلات قضایی در حقوق کیفری سنتی با دشواری‌هایی همراه بود. این در حالی است که دیدگاه‌های نوین جرم‌شناسی با تجویز مداخلات در فرایند جامعه‌پذیری و رشد کودکان و نوجوانان برخوردار از محیط زیستی نامطلوب، مداخلات زودرس را به منظور پیشگیری از بزهکاری در سنین پسا مسئولیت کیفری مدنظر قرار می‌دهد. این امر به منظور جلوگیری از شکل‌گیری عادت مجرمانه در کودک و نوجوان و در نتیجه ورود مجدد او به نظام عدالت کیفری پس از رسیدن به سن مسئولیت کیفری صورت می‌پذیرد تا با فراهم ساختن زمینه‌های اصلاح وی فرایند تکوین شخصیت بزهکار را مختل نماید. افزون بر این، این تدابیر بازتأکیدی بر نقش سرپرستان طفل بر انجام وظایف تربیتی آن‌ها نیز

محسوب می‌شود. این اقدامات که از آن با عنوان قرارهای غیرکیفری^۱ نیز یاد می‌شود هر یک اهداف خاصی را پیگیری می‌نمایند.

برای نمونه می‌توان به طرح ممنوعیت رفت و آمد شبانه^۲ به عنوان یکی از قرارهای غیرکیفری مختص کودکان و نوجوانان اشاره کرد. مطابق ماده ۱۴ قانون جرم و بی‌نظمی مقامات محلی و پلیس در خصوص اشخاص زیر ۱۰ سال امکان ایجاد این ممنوعیت را دارند. قانون پلیس و دادرسی کیفری مصوب ۲۰۰۱ میلادی این محدوده سنی را در خصوص کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست تا پانزده سال افزایش داد. مدت این قرار نهایتاً ۹۰ روز است و مربوط به بازه زمانی ۹ شب تا ۶ صبح است. در واقع، پس از طرح تقاضای ممنوعیت به وزارت کشور، پلیس یا مقام محلی با صدور اخطاریه‌ای این ممنوعیت را مطابق بازه زمانی مذکور اعمال می‌نمایند. در صورت نقض این قرار و حضور شخص در غیرساعات تعیین شده خارج از منزل منجر به بازگرداندن او به منزل و در صورتی که کسی در منزل نباشد به مراکز تحت مراقبت می‌شود. مشابه این قرار، قرار حمایت از کودک^۳ است که در مواد ۱۱ و ۱۲ قانون جرم و بی‌نظمی مدنظر قرار گرفته است. این قرار با این پشتوانه تحقیقی - علمی مورد پذیرش قرار گرفته که تحریک هم‌سالان و فشار ناشی از ارتباط با آنها، می‌تواند احتمال وقوع جرم را تا سه برابر تقویت نماید. از این رو، مطابق مواد مذکور، قرار حمایت از کودک از سوی دادگاه صلح، برای کودکان زیر ۱۰ سال که مرتکب عمل ماهیتاً مجرمانه می‌شوند، بنابر درخواست مقامات محلی امکان‌پذیر است. در این موارد، چنانچه قرار مذکور به منظور پیشگیری از ارتکاب مجدد عمل ضرورت داشته باشد و در صورت صدور اخطار منع رفت و آمد آن را نقض کرده باشد و به شکلی رفتار کند که موجب مزاحمت و ترس شخص یا اشخاصی غیر از اعضای خانواده‌اش شده است این قرار صادر می‌شود. در این راستا، دادگاه کودک را ملزوم می‌کند تا از معاشرت با افرادی که مشخص کرده خودداری نماید و تحت نظارت یک مددکار اجتماعی در دوره سه ماهه (که گاهی تا دوازده ماه قابل تمدید است) عمل نماید. مشابه موارد مذکور در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آمده است. بند ۴ تبصره ماده مذکور به «جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه» و بند ۵ تبصره به «جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محل‌های معین» اشاره دارد. موارد ذاتاً تأمینی که در پاسخ به بزهکاری کودک ارائه می‌شود (مؤدّن‌زادگان، ۱۳۹۹: ۲۵۲).

افزون بر این، ایجاد محدودیت بر کودک و نوجوانان به واسطه ایجاد تکالیفی بر والدین مؤثرتر تلقی

1. Non-criminal orders
2. Local Child Curfew Schemes
3. Child Safety Order

می‌شود. در واقع، یکی از اهداف مهم در چارچوب اصلاح نظام دادرسی کودکان، تأکید بر مسئولیت والدین در مهار کودک و جلوگیری از تحقق جرم توسط آن است. مطالعات وزارت کشور انگلستان نشان داده است که اطفالی که در سطح پایین یا متوسطی از نظارت والدین قرار دارند، بیش از دو برابر اطفالی که در سطح بالای نظارت‌اند، در معرض عوامل جرم‌زا قرار می‌گیرند (Card, 1998: 41). از این رو، «قرار ویژه والدین» در شرایطی همراه با قرار حمایت از کودک یا همراه با قرار ویژه رفتار ضداجتماعی یا زمانی که کودک یا نوجوان محکوم شود صادر می‌شود. این قرار پس از کسب اطلاعات از وضعیت خانوادگی کودک توسط دادگاه و ابلاغ شرایط و نتایج عدم رعایت مفاد آن به والدین صادر می‌شود. به موجب این قرار والدین مکلف به حضور در جلسات مشاوره به مدت سه ماه می‌شوند. همچنین، دادگاه می‌تواند والدین را به اعمال اقدامات کنترل‌کننده مشخصی مانند حصول اطمینان از حضور منظم در مدرسه یا اجتناب طفل از ارتباط با افراد خاص ملزم می‌کند. این شرایط می‌تواند تا دوازده ماه ادامه یابد.^۱ افزودنی است که این قرار صرفاً در خصوص یکی از والدین نیز قابلیت صدور دارد. خودداری از رعایت قرار، می‌تواند به تعیین جریمه‌ای تا هزار پوند بیانجامد. مشابه با این مورد در بند «الف» ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی وجود دارد. این بند به «تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان» اشاره دارد. اگرچه در ایران سازوکار اجرایی این بند به تفصیل نظام انگلستان نیست، اما اخذ تعهد خود در زمینه بازنمایی مسئولیت والدین نقش مهمی را ایفا می‌کند. تصمیماتی که در دادگاه گرفته می‌شود نوعاً به اقداماتی شبیه می‌باشد که در قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار از قبل تصویب شده بود و غالباً در رابطه با جرایم خفیف با نصیحت و تحویل به اولیای قانونی با گرفتن تعهد تربیت و اصلاح انجام می‌پذیرد. این امر در برخی کشورهای دیگر نیز دارای سابقه است. برای نمونه در فرانسه بر اساس قوانین مشهور به فرمان اردونانس و اصلاحات بعدی آن دادگاه اطفال به جرایم اطفال بزهکار رسیدگی کرده و تدابیری در این خصوص در نظر گرفته اس که در برگیرنده سرزنش کودک و تحویل دادن به والدین و یا سرپرست قانونی و در صورت ضرورت به خانواده مورد اعتماد دیگر - نگهداری در مؤسسات تربیتی و یا آموزشی حرفه‌ای - درمان و آزادی و با مراقبت است (نجفی توانا، ۱۳۹۸: ۱۵۴).

افزودنی است قرار ویژه رفتارهای ضداجتماعی در خصوص کودکان با ده سال سن یا بیشتر صادر می‌شود که ارتکاب برخی رفتارهای ضداجتماعی که موجب آزار و ناراحتی افرادی غیر از خانواده شود را ممنوع می‌کند. البته باید توجه داشت کارآیی این قرار بیشتر برای اطفال و نوجوانان رده سنی

دوازده تا هفده سال است (Mullan, O'Monoy, 2005). این قرار با درخواست پلیس یا مقام محلی توسط دادگاه صادر می‌شود و هدف از آن پیشگیری از ایجاد عادت بزهکارانه است. آنچه از الفاظ قانون به ذهن متبادر می‌شود این است که ارتکاب رفتارهای ضداجتماعی برای یک بار نیز برای صدور این قرار کافی است. در واقع، قانون‌گذار تعدد در ارتکاب را ضروری نداشته، اما با توجه به فلسفه وضع قرار که ممانعت از ریشه گرفتن رفتارهای ضداجتماعی و تبدیل آن‌ها به رفتارهای مجرمانه است، احراز عادات ارتکاب رفتارهای ضداجتماعی و اثبات ارتکاب حداقل دو بار رفتار ضروری شناخته شده است (Birch, 2002: 105).

دسته دیگری از اقدامات تأمینی و تربیتی اهداف ترمیمی را دنبال می‌کنند. قرار ترمیمی در پی آن است تا بزهکار را ملزم به ترمیم خسارات ناشی از جرم نسبت به بزه‌دیده و جامعه محلی نماید. در این قرار از یک‌سو، تلاش می‌شود تا بزهکار نسبت به صدمات ایجاد کرده آگاه شود و با پذیرش مسئولیت خود نسبت به جبران آن اقدام کند. از این‌رو، در خصوص جرایم نه چندان شدید اطفال این قرار صادر می‌شود. قرار ترمیمی، مجموعه اقداماتی نظیر نوشتن نامه عذرخواهی، عذرخواهی رودررو، جبران زیان‌های ناشی از جرم و ... را شامل می‌شود؛ اگر بزه‌دیده خواهان دریافت هیچ یک از اشکال جبران خسارت نباشد، جبران خسارت جامعه محلی به اشکال دیگری به عمل می‌آید؛ محتوای قرار باید متناسب با شدت جرم باشد و نباید محکوم‌علیه را در مجموع به بیش از ۲۴ ساعت فعالیت وا دارد (پاک‌نهاد، ۱۳۸۵: ۱۲۹). ماده ۱۱-۶۷ قانون مذکور در این زمینه مقرر می‌دارد: «دادگاه باید برای عدم صدور قرار ترمیمی در هر مورد، استدلال نماید».

این قرار به عنوان بخشی از قرار برنامه اقدامات^۱ یا جزئی از برنامه‌هایی که از سوی سازمان مرکزی نظارت و توسعه عدالت کیفری کودکان مدنظر قرار گرفته است استفاده می‌شود. این قرار در مرحله پیش از دادگاه و یا مرحله تعیین کیفر قابلیت صدور دارد. دادگاه پیش از صدور این قرار ابتدا گزارش کتبی افسر تعلیق، مددکار اجتماعی یا عضو تیم ویژه بزهکاری اطفال را بررسی می‌کند سپس پس از گفت‌وگو با بزه‌دیده این قرار را صادر می‌کند. قرار برنامه اقدامات نیز در پی ارائه پاسخی مؤثر اما کوتاه به رفتار بزهکارانه است که از سوی یک مأمور تعلیق، مددکار اجتماعی یا یکی از اعضای کمیسیون محلی اطفال بزهکار مورد نظارت قرار می‌گیرد و با رضایت بزه‌دیده امکان اتخاذ عناصر ترمیمی در آن موجود می‌شود. در این قرار تأثیرگذاری بر عوامل جرم‌زا در اولویت قرار دارد. برای نمونه چنانچه کودک در اثر مصرف مواد مخدر مرتکب جرم شده باشد، تمرکز برنامه اقدامات بر ترک استعمال

1. Action plan order

مبتنی می‌گردد (رشیدفر و بنی نعیمه، ۱۴۰۳: ۷۳). مشابه این امر در بند ۳ تبصره ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی با این عبارت «اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک» وجود دارد. از این‌رو، چند شرط متناسب با شدت و نیازهای کودک مبنای این اقدامات را تشکیل می‌دهد و هدف خنثی کردن عامل جرم‌زا به واسطه وضع برخی شروط بر کودک است. شروط قابل تحمیل بر بزهکار ممکن است الزام به شرکت در فعالیت‌هایی خاص یا حضور در مراکزی مشخص در ساعات معین و حتی الزام به جبران خسارت ایجاد شده باشد.^۱ مشابه این موارد بند ۱ و ۲ تبصره ماده ۸۸ نیز که به ترتیب به «معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روان‌شناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان» و «فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی» اشاره دارد در این راستا قابل تحلیل است.

۲-۲-۲. اقدامات تأمینی و تربیتی ناظر به بزرگسالان

نرخ تکرار جرم همواره به عنوان مؤلفه‌ای مهم در ارزیابی کیفر و چالش‌های آن مدنظر بوده است. تلاش جهت به‌کارگیری مجازات‌هایی که از کارآمدی مناسب‌تری در کاهش نرخ تکرار جرم برخوردار هستند همواره یکی از اولویت‌های سیاست‌گذاران کیفری بوده است. در این راستا، تحولات اقدامات تأمینی و گرایش به توسعه آن پدیدارکننده گروه جدیدتری از مجازات‌ها با عنوان «مجازات‌های اجتماعی» شد که اگرچه حالت خطرناک به عنوان مبنای اولیه آن به حاشیه رفته اما اهداف اصلاحی و ترمیمی را با جدیتی بیشتر دنبال می‌کند که یکی از اهداف مهم آن نیز کاهش نرخ تکرار جرم است. بی‌تردید اجرای موفق این دسته از مجازات‌ها مستلزم ایجاد بسترهای لازم است تا در پرتو آن و با استناد با مؤلفه‌هایی چون فایده‌مندی و ترمیم خسارات، تعامل سازنده‌ای میان اشخاص درگیر ایجاد شود و اهداف آموزشی و فرهنگی برنامه‌ریزی شده به صورت کاملی تحقق یابد. از این‌رو، مجازات‌های اجتماعی غالباً مربوط به بزهکاران بزرگسال^۲ می‌شود. بر این اساس، این دسته از مجازات‌ها به منظور دستیابی به اطمینان از اینکه مجازات‌های غیرتوقیفی^۳ (غیرحبس) در مواردی مانند کاهش نرخ تکرار جرم به توفیق نسبی دست یابند، باید از معیارهای خاصی بهره‌مند باشند و لازمه این امر ارائه مجازات‌های اجتماعی جدیدتری است که جایگزین مجازات‌های اجتماعی سابق شوند (Halliday, 2001: 2). معیارهایی که معمولاً در خصوص مجازات‌های اجتماعی بر آن‌ها تأکید می‌شود از ابعاد گوناگونی مدنظر قرار دارند. مواردی چون درمان در مواردی که بزهکار درگیر اعتیاد

1. S 69-6 of CDA

2. Adult offenders

3. Non-custodial sentences

به مواد مخدر یا مشروبات الکلی است یا از بیماری‌های روانی^۱ رنج می‌برد، ممنوعیت رفت‌وآمد در ساعات و اماکن خاص، نظارت الکترونیکی^۲، ترمیم خسارات وارده به بزه‌دیده و جامعه، خدمات اجتماعی اجباری، مراقبت و رسیدگی در برنامه‌های رفتار مجرمانه^۳ محور مجازات‌های جدید اجتماعی است. صدور حکم به این مجازات‌ها نیز باید به گونه‌ای باشد که اگر شروط مقرر برای آن توسط بزهکار نقض شد، دادگاه اختیار لازم برای تبدیل آن را به مجازات توقیفی مربوط داشته باشد. قانون عدالت کیفری سال ۲۰۰۳ با نگاهی جامع، نظام جدید مجازات‌های اجتماعی را طرح‌ریزی کرد. قانون مذکور فهرستی «انتخابی - ترکیبی»^۴ از احکام اجتماعی را در اختیار دادگاه قرار می‌دهد تا در راستای اصل فردی‌سازی، متناسب با هر فرد بزهکاری اتخاذ تصمیم کند (Hungerford-Welch, 2004: 662). این موارد در ماده ۴۷ و بند (۲) ۳۳ بخش ضمیمه شماره ۳۲ قانون مذکور آمده است. تمامی این موارد تنها برای سه سال قابلیت صدور توسط دادگاه را دارد.^۵ ترکیب چند مورد از این قرارها با یکدیگر تنها در صورت سازگاری آن‌ها باهم امکان‌پذیر است.^۶ دادگاه این امکان را دارد تا در تصمیم خود در تعیین انواع مجازات‌های اجتماعی بازبینی کند و در فواصل مشخص از هر کدام از انواع مقرره‌های مذکور به صلاح‌دید خود استفاده کند.^۷ همچنین، گاهی دادگاه تکالیف خاصی در اتخاذ این تدابیر دارد. برای مثال، در کنار مقرره محدودیت عبور و مرور در ساعت معین و مقرره ممنوعیت ورود به برخی اماکن باید قرار «نظارت الکترونیک» نیز برای بزهکار صادر شود،^۸ مگر اینکه قاضی این امر را لازم ندانند. در نظام حقوقی ایران مجازات‌های تکمیلی با برخورداری از ویژگی اجتماعی بودن صرفاً در مقام تکمیل مجازات‌های مربوط به جرم متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب بر وی بار می‌شود. در حقیقت این دسته از مجازات‌ها، مجازات‌های مستقل جرم نیستند و در صورت وجود شرایط مقرر در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در کنار این دسته از مجازات‌ها، مجازات‌های جایگزین حبس مطابق با فصل نهم قانون مجازات اسلامی با اهداف غیرتوقیفی برای شخص از برخی ویژگی‌های مجازات‌های اجتماعی در نظام حقوقی انگلستان برخوردار هستند. بر این اساس، مطابق ماده ۶۴ قانون مذکور: «مجازات‌های

1. Treatment for substance abuse or mental illness
2. Electronic Monitoring
3. Attendance at offending behavior programmers
4. "Pick and mix" menu
5. S 177(5) CJA 2003
6. S 177(6) CJA 2003
7. S 178 CJA 2003
8. S 177(3) CJA 2003

جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجراء می‌شود.^۱

یکی از مصادیق مجازات‌های اجتماعی مقررۀ کار مجانی^۲ است که در ماده ۱۹۹ قانون عدالت کیفری سال ۲۰۰۳ مورد توجه قرار گرفته است. دادگاه با پیشنهاد افسر صلاحیت‌دار (که برای افراد ۱۸ سال مأمور ناظر (مأمور مراقبتی) و برای مجرمان شانزده و هفده ساله یکی از مأموران ناظر یا مقام محلی کارآفرین اجتماعی^۳ یا اعضای کمیسیون محلی اطفال بزهکار می‌باشد) (Hungerford-Welch, 2004: 662)، اختیار صدور این مقررۀ را با تعیین ساعات که می‌تواند بین ۴۰ تا ۳۰۰ ساعت باشد و برای نهایتاً یک بازه زمانی ۱۲ ماهه دارد. بزهکار باید از این طریق دین خود را به جامعه ادا کند و با کسب مهارت‌های جدید قدرت کسب شغل خود را افزایش داده و از این طریق خطر تکرار جرم نیز کاهش می‌یابد.^۴ در این راستا، ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ خدمات عمومی رایگان را مقرر نموده است. مطابق این ماده خدمات عمومی رایگان، خدماتی است که با رضایت محکوم برای مدت معین تعیین می‌شود. آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۳ مصادیق خدمات عمومی رایگان را مشخص کرده است. مطابق این ماده خدمات عمومی رایگان عبارتند از: امور آموزشی، امور بهداشتی و درمانی، امور فنی و حرفه‌ای، امور خدماتی، امور کارگری، امور کشاورزی، دام‌داری، جنگل‌داری و مرتع‌داری که هر کدام شامل مصادیقی می‌شود.

در مقابل این دسته از مجازات‌ها، «مقررۀ فعالیت»^۵ طبق ماده ۲۰۱ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ است که دادگاه امکان صدور دستور مبنی بر الزام بزهکار به انجام فعالیتی مشخص در بازه زمانی نهایتاً ۶۰ روزه را دارد. این فعالیت افزون بر شرکت در دوره‌های آموزشی و کسب مهارت، اهداف ترمیمی و جبران خسارت ایجاد شده را نیز می‌تواند در پی داشته باشد. شرکت در دوره‌های آموزشی مهارت یا تحصیل هم می‌تواند از این قبیل اقدامات باشد. به‌طور معمول این مقررۀ همواره با مقررۀ سرپرستی

۱. در این زمینه رأی وحدت رویه شماره ۷۴۶-۱۳۹۴/۱۰/۲۹- هیأت عمومی دیوان عالی کشور قابل توجه است. برای مشاهده برخی آرای مرتبط با جایگزین‌های حبس و تحلیل آن در نظام حقوقی ایران بنگرید: (مؤذن‌زادگان، مرادی اوجقاز، ۱۴۰۲).

2. Unpaid work requirement

3. Local authority social worker

۴. برای مطالعه موارد مشابه در حقوق آمریکا بنگرید: (افشار، رحیمی، ۱۴۰۲).

5. Activity requirement

صادر می‌شود. مطابق مقرره سرپرستی، دادگاه بزهکار را ملزم می‌کند طی اجرای حکم اجتماعی با مأمور مرکز خدمات تعلیق مراقبتی^۱ در راستای بازاجتماعی شدن جلسات منظمی را با هدف ارتقای شخصیت بزهکار و افزایش تعهدات، نظارت بر الگوهای رفتاری خود و افزایش مسئولیت‌پذیری اقدام کند. مشابه این امر در تدابیر مربوط به تعویق مراقبتی که مطابق ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در صدور حکم به دوره مراقبت می‌توان در نظر گرفت وجود دارد. دوره مراقبت دوره‌ای است که طی آن محکوم، به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام به انجام یک یا چند مورد از دستورهای مندرج در تعویق مراقبتی در بازه‌های زمانی مشخص شده در این ماده محکوم می‌شود. بر این اساس، مطابق ماده ۴۳ قانون مذکور ایت تدابیر عبارتند از: الف - حرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص؛ ب - اقامت یا عدم اقامت در مکان معین؛ پ - درمان بیماری یا ترک اعتیاد؛ و

همچنین، مطابق مقرره برنامه^۲ بر اساس ماده ۲۰۲ قانون عدالت کیفری دادگاه اختیار به الزام بزهکار به شرکت در برنامه‌های فردی و گروهی را به منظور اصلاح الگوهای رفتاری^۳ مجرمانه دارد. این برنامه‌ها با رویکردی منظم در زمینه بزهکاری‌های عمومی، بزهکاری‌های خشونت‌آمیز، بزهکاری‌های جنسی، بزهکاری‌های مالی و خشونت‌های خانگی اجرا می‌شود (Hungerford-Welch, 2004: 662). این امر می‌تواند همراه با مقرره فعالیت‌های ممنوعه^۴ موضوع ماده ۲۰۳ قانون مذکور باشد که دادگاه جهت جلوگیری از حضور مجرم در فعالیت‌های دارای ریسک از حیث وقوع جرم، وی را از حضور در برخی فعالیت‌های خاص، در روزهای معین یا برای دوره‌های زمانی خاص منع کند. یکی از این موارد می‌تواند مقرره محدودیت رفت و آمد در ساعات معین^۵ باشد که در ماده ۲۰۴ قانون مذکور ذکر شده است. این مقرره در مقام سلب تردد آزادانه بزهکار است. بر این اساس، بزهکار در دوره زمانی خاصی، بین ۲ تا ۱۲ ساعت در روز و نهایتاً برای یک دوره شش ماهه، حق حضور در مکان‌های خاصی را دارد و نمی‌تواند خارج از آن مکان‌ها حضور داشته باشد. مشابه این مقرره، در مقرره ممنوعیت ورود به برخی اماکن^۶ موضوع ماده ۲۰۵ نیز آمده است. مطابق این مقرره، بزهکار در یک بازه زمانی کاملاً متغیر و قابل انتخاب که حداکثر آن دو سال است، از ورود و تردد در برخی اماکن یا مناطق محروم می‌شود.

1. Offender Manager from the Probation Service
2. Programme requirement
3. Patterns of behaviour
4. Prohibited activity requirement
5. Curfew requirement
6. Exclusion requirement

یکی دیگر از انواع مجازات‌های اجتماعی، مقررۀ جواز اقامت^۱ موضوع ماده ۲۰۶ قانون مذکور است. بر این اساس، بزهکار ملزم می‌شود برای یک دورۀ زمانی در مکانی معین اقامت نماید. نکته قانونی مهم در تعیین این مجازات این است که قاضی پیش از تعیین این مجازات به بررسی اشخاص مجاوز محل اقامت در نظر گرفته شده برای بزهکار می‌پردازد.^۲

افزون بر موارد فوق، دستۀ دیگری از مجازات‌های اجتماعی، بر سالم‌سازی روانی و جسمانی تأکید دارند. ماده ۲۰۷ قانون عدالت کیفری به مقررۀ درمانی سلامت روانی^۳ اشاره می‌کند. دادگاه به موجب صدور این دستور، بزهکار را ملزم می‌کند تا با سازوکاری مشخص نسبت به درمان خود اقدام نماید (مطابق آنچه که در بند «پ» ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی آمده است و بزهکار را ملزم به «درمان بیماری یا ترک اعتیاد» می‌نماید). بر این اساس، بزهکار ملزم می‌شود مطابق راهنمای درمانی از سوی پزشک قانونی^۴ یا روان‌شناس خبره به منظور درمان خود را تسلیم نماید. این دستور می‌تواند همراه با بستری شدن شخص در مراکز درمانی باشد. همچنین باید توجه داشت مطابق بند ۳ ماده ۲۰۷ قانون مذکور دادگاه زمانی اقدام به صدور این حکم می‌کند که مطابق نظر پزشک متخصص قانونی وضعیت روانی مجرم، او را نیازمند چنین عمل درمانی قرار دهد و دادگاه نیز این دستور را ضروری تشخیص دهد. رضایت بزهکار نیز جهت پذیرش این قرار و آغاز عملیات درمانی ضروری است.^۵

مشابه قرار فوق، در مقررۀ بازسازی (بزهکار) از مواد افیونی^۶ که در ماده ۲۰۹ قانون مذکور آمده نیز تأکید بر سلامت شخص است. این قرار برای یک دورۀ حداکثر شش ماهه توسط دادگاه با عنوان «دوره درمان و آزمایش»^۷ تعیین می‌شود. مطابق این مقررۀ بزهکار باید در جهت کاهش یا رفع کامل گرایش و نیاز خود به مواد مخدر در چارچوب برنامه درمانی مشخص قرار گیرد. بر این اساس، بزهکار در طول دورۀ درمانی به منظور پیش‌مستمر، باید نمونه‌های ادرار و خون خود را در اختیار مراکز آزمایشگاهی مربوط قرار دهد. در صورتی که مصرف‌کننده مواد فرد شانزده یا هفده ساله باشد درمان او با هدف کاهش مصرف مواد مخدر و سایر تخلفات او صورت می‌پذیرد. در این موارد شفاف‌سازی ارتباط میان مصرف مواد مخدر و بزهکاری و چگونگی تأثیر مواد بر سلامت شخص و

-
1. Residence requirement
 2. S 206 (3) CJA 2003
 3. Mental Health treatment requirement
 4. Registered medical practitioner
 5. Attorney General's reference No 64 of 2003 [2003] EWCA Crim 3514
 6. Drug rehabilitation requirement.
 7. The treatment and testing period

نیز کمک کردن به مجرم با هدف اینکه بتواند راه‌های واقع‌گرایانه‌ای^۱ برای تغییر در شیوه زندگی را بیاید مدنظر قرار دارد (Hungerford-Welch, 2004: 843). همچنین باید توجه داشت که صدور این قرار ضرورتاً وابستگی به آن ندارد که جرم در نتیجه مصرف مواد رخ داده است. از این‌رو، رضایت بزهکار معتاد در صدور آن شرط است. همین مورد در مقررۀ درمان معتادان به مصرف مشروبات الکلی^۲ مطابق ماده ۲۱۲ قانون مذکور نیز وجود دارد. در این قرار نیز قاضی می‌تواند در خصوص بزهکار معتاد به مصرف مشروبات الکلی که تمایل به کاهش و قطع وابستگی به این مشروبات را دارد، برای یک بازۀ نهایتاً شش‌ماهه حکم درمان صادر نماید.

در پایان باید به نقش مهم «شورای رهنمودهای تعیین کیفر انگلستان»^۳ در خصوص نحوه تعیین مجازات‌های اجتماعی توجه کرد. بر این اساس، قاضی موظف است تا با توجه به معیارهای ارائه شده توسط این شورا اقدام به تعیین مجازات اجتماعی برای بزهکاران نماید. مواردی چون مدنظر قرار دادن اهداف کلی کیفری، مناسب بودن^۴ بر اساس اصل فردی شدن مجازات، توجه به میزان تحدید آزادی بزهکار^۵ به واسطۀ مجازات در سنجش با شدت جرم ارتكابی، سازگاری^۶ و امکان صدور چند مقررۀ با هم و توجه به خطر تکرار جرم^۷ باید مورد توجه دادگاه در تعیین مجازات اجتماعی قرار گیرد.^۸

نتیجه

تلاش جهت به‌کارگیری مجازات‌های کارآمد جهت کاهش نرخ تکرار جرم همواره یکی از اولویت‌های سیاست‌گذاران کیفری بوده است. اقدامات تأمینی در خاستگاه خود واکنشی فعال به پدیده بزهکاری با رویکرد پیشگیرانه محسوب می‌شود که درصدد است زمینه‌های تکرار جرم را از بین ببرد. از این‌رو، به عنوان واکنشی اجتماعی به جرم، در بردارندۀ مفهوم اصلاح بزهکار دارای حالت خطرناک است تا با مدیریت فضا، ریسک ارتكاب جرم مجدد را کاهش دهد. از این‌رو، این تدابیر جدا از مسئول بودن یا نبودن شخص، با هدف تأمین نظم اجتماعی به صورت قهرآمیزی بر شخص بار شده و بدون آنکه اهداف سزادهی یا ارعایی را دنبال کند صرفاً در پی پیشگیری از تکرار جرم است. به این‌سان، مهار

1. Realistic ways
2. Alcohol treatment requirement
3. Sentencing Guidelines Council
4. Suitability
5. Restrictions on liberty
6. Compatibility
7. The risk of re-offending
8. Sentencing Guidelines Council, New Sentences: Criminal Justice Act 2003, December 2004

حالت خطرناک، بی‌مدتی و نامعینی زمانی را می‌طلبد تا رفع کامل حالت خطرناک پایانی بر این تدابیر باشد. امری که همواره در معرض انتقادات با محوریت تغیر این نامعینی با آزادی فردی بوده که در نهایت نیز منجر به زمان‌مندی معقول و تعدیلاتی در آن شده است. به تدریج محور اقدامات تأمینی به جای مهار حالت خطرناک بر آثار اجتماعی در پرتو بازاجتماعی‌سازی، اصلاح و درمان بزهکار قرار گرفت. به شکلی که گونه‌ای جدید از مجازات‌ها با عنوان مجازات‌های اجتماعی به عنوان واکنشی نو به پدیده مجرمانه پدید آمد که فاقد آثار توقیفی و سخت‌گیرانه کیفری است و بیشتر از نگاه به گذشته، نگاهی آینده‌نگر، اصلاحی و درمانی دارد. از این‌رو است که به تدریج اقدامات تأمینی جا را برای رونق‌گیری مجازات‌های اجتماعی باز کرد. این دسته از مجازات‌ها با تأکید بر بازاجتماعی‌سازی بزهکاران و ترمیم خسارات و اعاده نظم اجتماعی در قالب مجازات‌های اجتماعی در نظام حقوقی انگلستان و مجازات‌های تکمیلی و جایگزین‌های حبس تا حدی در نظام حقوقی ایران تبلور یافته است. امری که به روشنی نشان از ایجاد فاصله از خاستگاه نظری اولیه اقدامات تأمینی دارد و تمرکز را از مهار خطرناکی جهت پیشگیری از تکرار جرم، بر اجتماعی‌سازی بزهکار به‌واسطه از بین بردن زمینه‌های وقوع جرم قرار داده است. برای نمونه، در نظام انگلستان قرارها و مجازات‌هایی مدنظر قرار گرفته که از یک‌سو، اعمال آن منوط به تحقق مسئولیت کیفری نیست و بر کودک می‌توان همراه با الزاماتی برای والدین باشد و از سوی دیگر، قرارهایی را شامل می‌شود که اعمال آن‌ها منوط به تحقق سن مسئولیت کیفری است و جنس آن جبران خسارت بزه‌دیده و تدابیر اصلاحی و تربیتی است. مبنای این اقدامات قانون جرم و بی‌نظمی مصوب ۱۹۹۸، قانون دادرسی اطفال و دلایل جزایی مصوب ۱۹۹۹ و قانون عدالت کیفری سال ۲۰۰۳ است که بر اساس آن اقدامات تأمینی و تربیتی در دو سطح بزهکاران طفل و نوجوان و بزهکاران بزرگسال مدنظر قرار می‌گیرد. نظام حقوقی ایران با مشابهت‌هایی با نظام حقوقی انگلستان، تا حدی از مفهوم ابتدایی اقدامات تأمینی گذر کرده و سمت و سوی اجتماعی‌سازی به‌واسطه اصلاح، درمان و ترمیم بزهکاران را به عنوان بخشی از واکنش اجتماعی به پدیده جرم را ارائه نموده است. افزودنی است که بهره‌دهی کیفر سنتی با روش‌های علمی برآمده از تجربه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و روش‌های مؤثر پیشگیری از جرم و بازپروری و خنثی‌سازی مجرمان، به صورت مقررات ساده و بدون ابهام در اختیار مراجع قرار می‌گیرد. باید توجه داشت که در نظام حقوقی انگلستان تنوع واکنش اجتماعی در برابر جرم بسیار برجسته است و اختیارات قابل ملاحظه‌ای برای قاضی در رابطه با انتخاب متناسب و عادلانه وجود دارد. اما در نظام حقوقی ایران از تمامی ظرفیت‌های علمی موجود به درستی بهره‌برداری نشده است و از حیث کمی نیز واکنش‌ها از وضعیت مطلوبی برخوردار نمی‌باشد.

منابع

فارسی

- افشار، زهره، رحیمی، سارا. (۱۴۰۲). جنبه‌های حمایت از اطفال بزهکار در حقوق کیفری ایران و آمریکا. مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره نهم، شماره ۴.
- امینی، محمد. (۱۳۴۶). ضمانت احتیاطی در قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹، پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- بولک، برنار. (۱۳۸۵). کیفرشناسی. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات مجد.
- پاک‌نهاد، امیر. (۱۳۸۵). رویکرد نوین حقوق انگلستان به بزهکاری اطفال. مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۱۹.
- پی نائل، ژان. (۱۳۴۵). جرم‌شناسی، ترجمه رضا علموی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- پیراوانی، سعیده. (۱۳۹۲). جایگاه اقدامات تأمینی و تربیتی در فقه جزایی، پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، شیراز: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز.
- رجبی تاج امیر، ابراهیم و چاووشی، محمدصادق. (۱۳۹۷). تحولات نهاد اقدامات تأمینی و تربیتی. مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره سی و نهم.
- رشیدفر، علی، بنی‌نعمه، عیسی. (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی ابعاد و مؤلفه‌های سیاسی اقدامات تأمینی در حقوق ایران و فرانسه. پژوهش‌نامه ایرانی روابط بین‌الملل، دوره اول، شماره ۳.
- رهامی، محسن. (۱۳۹۲). اقدامات تأمینی و تربیتی، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- صدرات، علی. (۱۳۴۰). حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: انتشارات کانون معرفت.
- فاخری، نریمان. (۱۴۰۳). ضمانت اجرای نقض حقوق شهروندی به منزله حقوق دفاعی متهم در تحقیقات مقدماتی. مجله دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۱۰۳.
- قاسمی، ناصر. (۱۳۷۴). اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- کاری‌یو، روبرو. (۱۳۸۱). مداخله روان‌شناختی-اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۵-۳۶.
- کریم‌پور آل‌هاشم، سیدمحمدتقی و نوری‌سوا، احمد (۱۴۰۲). بازپروری بزهکاران در پرتو تعامل جرم‌شناسی و آیین دادرسی کیفری. مجله پژوهش ملل، شماره ۹۵.
- کی‌نیا، سیدمهدی. (۱۳۹۶). مبانی جرم‌شناسی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لازرژ، کریستین. (۱۳۸۲). درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر میزان.
- محمودی، نسرين. (۱۳۸۵). اقدامات تأمینی و تربیتی در لبنان. مجله دادرسی، شماره ۵۸، سال دهم.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی و مرادی‌اوجقاز، محسن. (۱۴۰۲). کیفرهای اجتماع‌محور در رویه قضایی، تهران: نشر عدل قانون.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی و میرفردی، قدرت‌اله. (۱۳۹۹). پاسخ‌های اجتماعی به بزهکاری اطفال ونوجوانان در حقوق ایران و انگلستان. مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۱۰.
- مهرا، نسرين. (۱۳۹۳). کیفر و چگونگی تعیین آن در فرآیند کیفری انگلستان با تکیه بر کارکردهای کیفری.

تحقیقات حقوقی، شماره ۴۵.

- نجفی‌توانا، علی. (۱۳۹۷). نابهنجاری و بزهکاری کودکان و نوجوانان از منظر جرم‌شناسی، مقررات داخلی و اسناد بین‌المللی، چاپ اول، تهران: انتشارات سنس.

انگلیسی

- Ashworth, Andrew. (2005). *Sentencing and Criminal Justice*, Cambridge University press, Cambridge.
- Attorney Generals reference No 64 of 2003 [2003] EWCA Crim 3514.
- Birch, Diana (2002). *Blackstone's Criminal Practice*, Twelfth edition.
- Halliday, John (2001). *Making Punishments Work: Report of a Review of the Sentencing Framework for England and Wales*, Home office.
- Hungerford-Welch, Peter. (2004). *Criminal Litigation & Sentencing*, Cavendish Publishing Limited, 6th Ed, London.
- Hungerford-Welch, Peter (2004), *Criminal Litigation & Sentencing*, Cavendish Publishing Limited, 6th Ed, London.
- Mullan, Shauna and O'Monoy, David, *A Review of Resent Youth Justice Reforms in England and Wales*.
- Sentencing Guidelines Council, *New Sentences: Criminal Justice Act 2003*, December 2004.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی